

## باسمه تعالی

**عنوان کرسی:** رویکرد انتقادی به تکامل معنوی انسان از دیدگاه دیپاک چوپرا بر اساس آراء ملاصدرا

**ارائه دهنده:** حجت الاسلام دکتر حمزه علی اسلامی نسب (استاد همکار دانشگاه مجازی المصطفی)

**ناقد اول:** حجت الاسلام دکتر محمد مهدی گرجیان عربی (استاد دانشگاه باقرالعلوم)

**ناقد دوم:** حجت الاسلام دکتر رضا آذریان (هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية)

**مدیر کرسی:** حجت الاسلام دکتر علی احمدی امین (هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية)

**مکان:** دانشگاه مجازی المصطفی

**زمان:** سه شنبه (۲۰ دی ۱۴۰۱)، ساعت ۹-۱۱

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام دکتر اسلامی نسب به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام دکتر اسلامی نسب به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

تکامل گرایی از مبانی حیاتی و بسیار مهم انسان شناختی ادیان الهی، ادیان ساختگی، معنویت های دینی و غیردینی و مکاتب فکری است. اگرچه تمام ادیان درصدد به کمال رساندن انسان ها هستند لکن در نوع کمال و چگونگی رسیدن به آن اختلاف نظر دارند. تکامل به دو دسته معنوی و زیستی تقسیم می شود. برخی از ادیان و معنویت ها به هر دو اعتقاد دارند و برخی به معنوی و برخی نیز تکامل زیستی را سرلوحه تعالیم خود قرار داده اند. در عصر حاضر معنویت های دینی و غیردینی درصددند تا با برخی تعالیم ساختگی و یا تعالیمی که برخی از آنها ریشه در ادیان الهی دارند انسان را به کمال برسانند. در واقع آنها عقیده دارند انسان ها به لحاظ زیست شناختی به تکامل رسیده اند و اکنون نوبت آن است که به لحاظ معنوی تکامل یابند. چوپرا به عنوان مؤسس عرفان آیورودایی که نوعی معنویت غیردینی می باشد نگاه ویژه و منحصر به فردی به انسان دارد و مبانی وی در بحث انسان شناسی عبارتند از: انسان گرایی، انسان تک ساحتی (ذهن گرایی)، تکامل گرایی، جاودانگی،

خلاقیت. تکامل گرایی در اندیشه چوپرا جایگاه مهمی دارد چنانکه وی با جمع آوری گروهی از رهبران تکامل نوین همچون نیل دونالد والش، کن ویلبر، اروین لازلو، و باربارا مارکس هابارد و... در سال ۲۰۰۸م در مرکز معنوی خود و با بنیان گذاری بنیاد رهبران تکاملی جهان به آنها لقب «رهبران تکاملی» را اعطا کرد.

مسئله اصلی ما این است بر اساس آراء صدرا چه نقدهایی بر دیدگاه چوپرا در زمینه تکامل معنوی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش تاکنون کتاب، پایان نامه و مقاله مستقلی نگاشته نشده است.

نقد و بررسی دیدگاه های چوپرا نیازمند نظام فکری و مفهومی مشخصی است که بر اساس آن، نقد و ارزیابی آراء چوپرا صورت بگیرد. در این رابطه ملاصدرا جایگاه ویژه ای دارد چرا که وی در میان فلاسفه اسلامی توجه ویژه ای به انسان و تکامل او دارد تا آنجا که نظام فلسفی خود یعنی حکمت متعالیه را بر اساس چهار سفر معنوی انسان پایه گذاری نموده است.

ماهیت تکامل معنوی

#### ۱- تکامل معنوی از منظر چوپرا

چوپرا برای توضیح کمال و تکامل معنوی ابتدا به سراغ انسان می رود و از حقیقت آن جويا می شود. وی فصل چهارم کتاب اکسیر خود را با این سوال مهم من کیستم؟ آغاز کرده و در پاسخ آن، به نقل از کیمیاگر می گوید: آن چه که در دنیا، انسان را محدود می کند نامها و برچسبها و اوصاف است. اگرچه داشتن نام خوب است و فایده دارد لکن به سرعت باعث محدودیت می شود. نامها تنها باعث توصیف انسان می شوند به این صورت که زمان و مکان تولد و نیز پدر و مادر انسان را معین می کنند و نیز مشخص می کنند که در کدام مدرسه درس خوانده و در کجا ساکن است. در نهایت هویت انسان در جعبه ای از کلمات احاطه شده است. محتوای جعبه می تواند شامل عناوینی چون وکیل، استاد دانشگاه، دارای سه فرزند و... باشد. این کلمات و عناوین انسان نامشروط را به تله شرط و شروط می اندازد. در واقع تقدیر انسان این است که نقش های بی شمار و متعددی بازی کند لکن هیچ کدام از آن نقش ها خود انسان نیستند.

تکامل از نگاه چوپرا تکامل دارای معنایی وسیع است و شامل انواع تکامل کائنات، تکامل زیستی، اجتماعی و تطوری می شود. رهبران تکامل نوین از جمله چوپرا معتقدند انسان قبل از تکامل بیولوژیکی دارای تکامل دیگری بود. بعد از تکامل بیولوژیکی تکامل فرابیولوژیکی را تجربه کرد. انسان سپس تکامل های دیگری چون تکامل آگاهی و آگاهی از این آگاهی و در عین حال آگاهی از تکامل را تجربه کرد. وی سپس می گوید: «تکامل همین حالا در ذهن انسان در نتیجه تجربه کردن شکل می گیرد. این تکامل را جذب می کنیم تا بخشی از وجود ما شود. افکار و خلاقیت انسان، جملگی در واکنش به محیط انسانی شکل گرفته اند. تکامل فرابیولوژیکی مستلزم بقای عاقل ترین ها و مدبرترین ها است. در تمامی این مراحل عمل تکامل بدون تلاش صورت گرفته است. طبیعت وجود است که رشد کنیم. مدبر شدن تنها مرحله بعدی رشد خواهد بود. نباید کاری

بکنیم جز، پیروی از گرایش طبیعی که ما را در مرحله نخست آگاه و مدبر کرد و بعد آگاهی از این آگاه بودن را در ما ایجاد کرد».

وی در مورد کامل بودن نیز می گوید: کامل بودن در جامعه با کامل بودن حقیقی تفاوت بسیار دارد چرا که «مفهوم کامل بودن در جامعه ما این است که تا حد امکان نقشهای بیشتری را ایفا کنیم. اما کیمیاگر ابدأ این وضعیت را به این صورت نمی بیند. از دیدگاه او کامل بودن به معنای رهایی از هرگونه نقش است». در نتیجه اگر انسان از همه نقش رها رها شود می تواند کامل شود و به تکامل دست یابد.

کامل بودن حقیقی و تکامل معنوی از نگاه چوپرا به این صورت است که انسان در مرحل هفتگانه خداشناسی و عشق بتواند به خدا و آرامش درونی برسد و هستی را آن چنان ببیند که خدا می بیند... چوپرا در توضیح مراحل هفتگانه می گوید شاید واقعیت فقط نمادی از عملکرد ذهن خدا باشد و اگر چنان باشد اعتقاد بدوی که خدا را در هر برگ گیاه، هر آفریده و ... وجود دارد ممکن است عالی ترین حقیقت را دربرداشته باشد. در هر مرحله، خدا ما را به سفری می برد که نقطه پایانی آن بی آلایشی کامل و احساس آرامش است. در واقع شناخت انسان از خدای متعال به صورت زیست شناختی است لکن انسان مانند بچه ای است که رشد می کند مجبور است سیر تکامل را به طرف پندار کامل تری بپیماید تا روزی که بتواند همه چیز را همان طور که خدا می بیند ببیند.

چوپرا در مورد نقش عشق در تکامل بر نیازهای نفس مشترک در هر رابطه انسانی (دوطرفه) تاکید می کند. وی معتقد است: «مساله اصلی زمانی ظاهر می شود که این نیازها رشد ظریف عشق را در بعد معنوی اش مانع می شوند. مدت ها پیش از آنکه عاشق شویم، نیازهای خود را بیش از حد کفایت می شناسیم. یافتن راهی برای ارضاء آنها دقیقاً به معنی رهایی از آنها نیست. فقط عشق می تواند ما را به رهایی برساند زیرا که حقیقت وجودی آن پادزهری برای ترس است». در واقع برای رسیدن به معنویت و رشد آن نیاز به عشق است اگر عشق وارد زندگی انسان شود معنویت انسان نیز بسان درختی رشد خواهد کرد. «ارزشمندترین چیزی که هر کس می تواند به درون هر رابطه انسانی بیارود، انرژی نهفته معنوی اوست. این همان چیزی است که در بدو آغاز زندگی با حکایت عاشقانه، می بایست به عمیق ترین نحو عرضه کنی. همانگونه که زندگی درخت از بذر آغاز می شود برای رشد و پرورش عشق نیز نیازمند بذری هستیم که همان انرژی معنوی نهفته ماست». چوپرا معتقد است شکوفایی انرژی معنوی تنها از جانب وی گفته نشده بلکه مشغله اصلی تمام فرزندانگانه، خردمندان و همه مردان بزرگ تاریخ بشریت است.

## ۲- تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

برخی چون فارابی معتقدند مفهوم کمال بدیهی و روشن بوده و مقصد و غایت هر حرکتی به عنوان کمال آن حرکت به حساب می آید. در تالیفات صدرا سه واژه اکمال، استکمال و تکامل مرادف همدیگر می باشد. لذا به معنای دیگر تکامل ترقی شیئی

از مراتب و مراحل پایین به مراحل بالاتر است که در نتیجه به خدای متعال ختم می گردد و کمال عبارت است از چیزی که نوع در ذات یا توابع خود بدان وابسته است. صدرا کمال را مفهومی نسبی می باشد یعنی یک شیئی نسبت به یک شیء دیگر کمال محسوب می شود لکن نسبت به شیء سوم کمال به حساب نمی آید.

همه موجودات دارای استعداد هستند لکن همه آنها در یک سطح نبوده بلکه میزان استعداد هرکدام با دیگری متفاوت است و آن چیزی که باعث به فعلیت رسیدن استعدادها می شود فراهم گشتن برخی زمینه هاست. همه موجودات به دنبال کمال بوده و در این راه استعدادهای خود را تقویت می کنند. از این رو کمال، صفتی وجودی می باشد که نتیجه به فعلیت رسیدن استعدادهای درونی هر موجود نسبت به موجود دیگر است. به عنوان نمونه کمال یک نهال این است که بواسطه تحقق شرایط، استعداد درخت بزرگی را که در ذات او می باشد را به فعلیت برساند. کمال با وجود ارتباط مستقیم دارد به این صورت که هر موجودی هر چقدر که به لحاظ وجودی دارای حدود و نواقص کمتری باشد به همان اندازه نیز کامل تر و سعادتمندتر است.

### ۳- بررسی تطبیقی تکامل معنوی

تکامل از نگاه چوپرا تفاوت زیادی با تکامل صدرایی دارد که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

- چوپرا تکامل را آن چیزی می داند که امثال کیمیاگر، جادوگر و ... آن را به عنوان تکامل و کامل بودن قبول داشته باشند. این عناوین اشاره به انسان های کاملی است که راه تکامل را دانسته و می توانند انسان را به تکامل برسانند. در حالی که ملاصدرا چون تکامل را به معنای تقرب به خدای متعال می داند هادیان به خدای متعال را وحی و رسولان الهی معرفی می کند. در نتیجه اشکال چوپرا این است که اگر تکامل، به معنای رسیدن به خدای متعال باشد باید افرادی انسان را در تکامل کمک کنند که مورد تایید خدای متعال باشند در حالی که کیمیاگر و جادوگر اگرچه افرادی دانا به حساب می آیند لکن از جانب خدای متعال فرستاده نشدند و دلیلی بر تایید گفته های آنها از توسط خدای متعال وجود ندارد.

- اشکال دیگر چوپرا این است که تکامل از نگاه او، در سطحی نازل قرار دارد و نمی توان تکاملی که در مراحل هفتگانه انجام می گیرد را تکامل معنوی به معنای دقیق کلمه نامید چرا که اگرچه وی هر مرحله از مراحل مذکور را سفری می داند که خدا در آن مرحله ما را به سفری می برد که نقطه پایانی آن بی آلاشی کامل و احساس آرامش است لکن در واقع شناخت انسان از خدای متعال به صورت زیست شناختی است. چرا که شناخت مذکور توسط مغز و ذهن انسان انجام می گیرد که مغز امری مادی بوده و توانایی شناخت خدای متعال مجرد را ندارد. ذهن نیز اگرچه مجرد است لکن عملکرد آن نیز وابسته به مغز بوده و به تنهایی توانایی شناخت خدای متعال را نخواهد داشت نهایت اینکه بتواند وجود خدا را اثبات کند.

- سیر دقیق خداشناسی که در هفت مرحله انجام می گیرد را نمی توان تکامل معنوی به معنای خاص کلمه نامید بلکه انسان در تنازع بقاء فرایبولوژیکی، گونه خدایی را از آن خود می کندز «من آن نیروی زندگی و آن رودخانه بی پایانم. من منبع و مقصد آنم که با وجود تمام موانع و سدها همچنان در جریان است.

غایت و هدف تکامل معنوی از منظر چوپرا

چوپرا در پروسه ای هفت مرحله ای بیان می کند ذهن و روح یا به عبارت دیگر انسان و خدا به وحدت و یگانگی می رسند. «تفاوتی میان خود و خدا نمی بینم. در هند باستان این پایان جدایی را به یوگا و یا وحدت تعبیر کرده اند. خردمندان باستان قدرت این را داشتند که شاهد تکامل معنوی خود باشند که موجب نزدیکی ذهن به روح می شد».

غایت و هدف تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

ملاصدرا نهایت کمال انسان را فنای الهی می داند و دو عامل علم و عمل صالح را راه دستیابی و وصول به فنای الهی معرفی می کند و سعادت انسان را در اتصال به معقولات و مجردات و همجواری با خدای متعال می داند. در واقع کمال انسان این است که با معقولات ارتباط برقرار کرده و به خدای متعال رسیده و همجواری او گردد. برای وصول به این مرتبه باید به تحصیل علوم و معارف الهی پرداخته و از زخارف بی ارزش دنیایی دوری گزیند.

بررسی تطبیقی غایت و هدف تکامل معنوی

صدرا و چوپرا در مساله هدف و غایت تکامل معنوی اشتراک دارند به این صورت که ملاصدرا هدف نهایی و غایی آفرینش انسان را وصول به مقام یقین و شهود خدای متعال می داند و بیان می کند بالاترین و کمال برای آفرینش انسان علم به معارف الهی و شهود جمال خدای متعال است. چوپرا نیز غایت تکامل معنوی را نزدیکی ذهن به روح می داند. لکن باید توجه داشت که از نگاه صدرا نفس انسانی بر اساس حرکت جوهری می تواند در سه مرحله استکمال یافته و به خدای متعال برسد. مرحله قبل از عالم طبیعت (قبل از تعلق بدن)، مرحله طبیعت (تعلق به بدن)، مرحله بعد از عالم طبیعت (مفارقت از بدن). نفس در مرحله اول و قبل از اینکه به بدن تعلق بگیرد در مرتبه علت وجودی خود که از نوع عقل مفارق است قرار دارد چرا که هر معلولی در مرتبه علت تامه خود قرار دارد. در نتیجه نفس قبل از اینکه به بدن ملحق شود در مرتبه عقل مفارق که بسیط و مجرد است قرار دارد. این مرتبه تا هنگامی است که شرایط مادی مهیا گشته و بدن بتواند پذیرای نفس گردد. در مرحله دوم نفس وارد عالم طبیعت می شود و کارهای خود را از طریق قوای بدنی آغاز می کند. مرحله مربوط به مفارقت نفس از بدن می باشد. مرحله دوم مرحله ای مهم می باشد چرا که سیر تکاملی نفس در همین مرحله اتفاق می افتد که می توان آن را به سه مرتبه یا عالم نباتی، حیوانی و انسانی به شرح ذیل تقسیم کرد. در مرحله انسانی، انسان می تواند با سیرو سلوک و پیمودن مسیر الهی به مرتبه انسان ملکی و الهی برسد و فرشته ای از فرشتگان الهی گردد و نیز می تواند راه شیطان را در پیش گرفته و از حیوانات و شیاطین و اهریمنان گردد. این مرتبه مرتبه ای است که انسان، انسان ملکی بالفعل یا شیطانی بالفعل می گردد. در حالی که چوپرا وصول به خدا یا روح را به یوگا و وحدت تعبیر می کند که با اعمالی چون ترنسندنال مدیتیشن انجام می گیرد. در واقع با ترنسندنال مدیتیشن می توان به فراسوی پنج حس ظریف و باریک و تا وصول به آگاهی و وحدت آن با آن رفت.

اشکال چوپرا این است که عمل مذکور عمدتاً برای کنترل ذهن بوده و برای آرامش درونی انسان می باشد چنانکه خود چوپرا نیز رآرامش ترنسندننتال مدیتیشن را عملی می داند که ذهن را از حصار مرزها خارج کرده و در حالتی از آگاهی نامحدود قرار می دهد و در نتیجه ذهن انسان آرام می گیرد و خود را به صورت سکوت تجربه می کند. سرور و همچنین شعور در همان سکوت جای دارند. اگرچه نمی توان ذیشعور بودن خود را حس کرد لکن می توان سرور را حس کرد، در نتیجه با برخی از اعمالی که عمدتاً برای کنترل ذهن و روان و نیز آرامش نفس می باشد نمی توان به خدا رسید.

علاوه بر آن باید توجه داشت که معنای یوگا وحدت نیست بلکه به منظور اتحاد قوای سه گانه جسم، روح و روان انجام می گیرد برخی از محققان یوگا چون میرچا الیاده آموزه های یوگا را این چنین توصیف می کند: «کلیه فنون یوگا متوجه همین نکته است، یعنی انجام دادن عکس آنچه که آدمی بدان خو گرفته است. در واقع واژگونی کلیه ارزش های انسانی، هدف واقعی یوگا است». آناندا جیوتی نیز معتقد است: «یوگا متوقف کردن هرگونه آگاهی و فعل و انفعالات ادراکی است».

اشکال دیگری که در مورد غایت تکامل معنوی وجود دارد این است که چوپرا خدا و متافیزیک را در مغز می بیند و می گوید: «در ذهن حضور خدا احساس یا دیده می شود، هر چیز ذهنی با مغز در ارتباط است؛ زیرا قبل از اینکه بتوانید مشاهده ای داشته باشید باید میلیون ها رشته عصبی در هم انگیخته شوند. حضور و نور خدا، در صورتی واقعیت می یابد که بتوان آن را به جوابی از مغز که من «پاسخ خدا» نامیده ام، تعبیر کرد. الهامات مقدس و مکاشفات از مغز عبور می کنند». در واقع وی خدا را مفهومی اعتباری معرفی می کند که نتیجه مغز انسان است و «تنها مغز است که می تواند گروه عظیم خدایان را بزاید». درحالی که تکامل معنوی از نگاه صدرا برای وصول به خدایی است آفریننده هستی بوده و شناخت او و تقرب به او بواسطه معرفت نفس و عبادت و تزکیه انجام می گیرد.

راه ها و ابزارهای تکامل معنوی از منظر چوپرا

خدانشناسی

از جمله مواردی که چوپرا در تکامل معنوی صحبت می کند سیر انسان در مراحل هفتگانه خدانشناسی است. به این صورت که سیر شناخت خدا توسط مغز انسان در هفت مرحله رخ می دهد که هر مرحله ای متناسب با پرسش ها و برداشت های انسان طراحی شده است. خدای چوپرا خدایی غیرمتشخص است که مغز انسان سوالاتی راجع به آن طراحی می کند و همان مغز نیز برداشت های خود را در پاسخ به سوالات و نیازهای انسان ارائه می دهد. انسان در هر مرحله به خدایی دست می یابد که متناسب با سوالات طراحی شده در همان مرحله است. سوالات عبارت است از: من که هستم؟ جایگاه مناسب من کجاست؟ و ... . ذهن انسان به هر کدام از این پرسش ها پاسخ می دهد که از نگاه چوپرا، پاسخ خدا نام دارد و این پاسخ، نوع خدا و مرحله ای را که سوال کننده در آن قرار دارد مشخص می کند. خدای هر مرحله با مرحله دیگر متفاوت است: ۱-

خدای حافظ ۲- خدای قادر مطلق ۳- خدای صلح و آرامش ۴- خدای رهایی بخش ۵- خدای آفریننده ۶- خدای معجزات  
۷- خدای هستی محض.

خارج شدن از نقش های زندگی

چوپرا دو کتاب مهم اکسیر و هفت قانون معنوی موفقیت را به موضوع معنویت اختصاص داده است. چوپرا برای توضیح تکامل معنوی ابتدا به سراغ انسان می رود و از حقیقت آن جويا می شود.

عشق

شاید مهم ترین بخش تکامل معنوی چوپرا تکامل بواسطه عشق است. وی در تلاش است در کنار مدیتیشن و مراقبه و ... معنویت را وارد زندگی انسان کند و از مشکلات روحی و روانی او بکاهد. «بدون شک در هر رابطه انسانی (دوطرفه)، نیازهای نفس مشترک برای خود جایی دارد. مساله اصلی زمانی ظاهر می شود که این نیازها رشد ظریف عشق را در بعد معنوی اش مانع می شوند. مدت ها پیش از آنکه عاشق شویم، نیازهای خود را بیش از حد کفایت می شناسیم. یافتن راهی برای ارضاء آنها دقیقا به معنی رهایی از آنها نیست. فقط عشق می تواند ما را به رهایی برساند زیرا که حقیقت وجودی آن پادزهری برای ترس است».

وی در کتاب اکسیر تعریف روانشناسان از عشق را قبول نداشته و آن را تفسیری مادی می داند و می گوید: در زمانهای گذشته، زودگذرترین دلباختگی ها، معنایی معنوی به همراه داشت و صمیمیت و پیوستگی با خدا از طریق معشوق، جنبه جدی داشت. بعد از فروید روانشناسان معتقد شده اند که عاشق شدن فریبی بیش نیست و شور و جذبه آن نیز غیر واقعی است. این نگاه ما را وادار کرد تا به عشق به عنوان امری موقت و ناپایدار نگاه کرده و بپذیریم که باید به این امر که می توان همچون عاشق پرشور و حرارت فناپذیر و مصون از خطر باشیم اعتنا نکنیم

در بحث جایگاه امیال جنسی در تکامل معنوی، نگاه واحدی وجود ندارد؛ برخی از معنویت های سعی در سرکوب آن دارند و برخی دیگر آن را باعث تکامل انسان می دانند لکن چوپرا سرکوب امیال جنسی را نادرست دانسته و معتقد است که این امور می تواند باعث تکامل معنوی انسان گردند.

مراقبه

مراقبه از جمله راه هایی است که برای تکامل انسان ذکر شده است این تعلیم در ادیان الهی برای تکامل معنوی روح است لکن در معنویت های غیردینی تعریف دقیقی از آن وجود نداشته و نه تنها در هرکدام از تکامل های معنوی و زیستی کاربرد دارد بلکه در عمده معنویت های غیردینی به معنای مدیتیشن بکار می رود.

چوپرا انسان را دارای قدرت خلاقیت می داند و معتقد است فرد برای دستیابی به خلاقیت نامتناهی خود باید هر روز سکوت را تمرین کند و مراقبه داشته باشد و از داوری پرهیز کند. به این صورت که هر روز زمان مشخصی سکوت کند تا گفتگوی درونی وی آرام شود. و نیز هنگام صبح و غروب به مراقبه پردازد.

انتخاب استاد معنوی

چوپرا در بحث تکامل معنوی به انتخاب استاد معنوی معتقد بوده و به افرادی که دارای اختلاف عقاید هستند پیشنهاد می کند یک استاد معنوی، یک گورو- رهبر مذهبی هندوها- برای خود انتخاب کنند.

راه ها و ابزارهای تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

خدای متعال در قرآن کریم انسان را موجود غیرثابت و سیال معرفی کرده که به سوی کمال نهایی در حرکت است. ملاصدرا نیز قائل به سیالیت انسان می باشد و معتقد است میان کمال انسان و وجود ارتباط مستقیمی برقرار است به این صورت که هر موجودی هر چقدر که به لحاظ وجودی دارای حدود و نواقص کمتری باشد به همان اندازه نیز کامل تر و سعادتمندتر خواهد بود.

علم و عمل صالح

از نگاه صدرا نهایت کمال انسان فناى الهی است و دو عامل علم و عمل صالح راه دستیابی و وصول به فناى الهی می باشد. وی معتقد است سعادت انسان، اتصال به معقولات و مجردات و همجواری با خدای متعال است. در واقع کمال انسان این است که با معقولات ارتباط برقرار کرده و به خدای متعال رسیده و همجوار او گردد.

تکامل عقل نظری

صدرا عقل انسان را به دو قسم نظری و عملی تقسیم می کند و در مورد هر کدام ابزارهایی را برای تکامل معنوی انسان مطرح می کند. در مورد عقل نظری، اتحاد عاقل و معقول را برای استکمال علمی نفس انسان بیان می کند.

تکامل عقل عملی

وی سپس به تکامل عقل عملی در چهار مرحله پرداخته و توصیه هایی را به صورت ذیل مطرح می کند. ۱- انجام احکام و دستورات دینی و الهی که باعث تهذیب ظاهری نفس می گردد. ۲- در صورتی که مرتبه اول درست انجام شده باشد یعنی در صورتی که به دستورات الهی عمل شده باشد انسان در مرتبه دوم به تهذیب قلب نائل می شود. ۳- در این مرتبه انسان خود را به صورت های الهی و صفات نیکو آراسته می کند. ۴- در این مرحله فناى نفس در ذات خود اتفاق می افتد به این صورت که منیت و خودبینی از بین می رود و نفس خود را کنار زده و تنها خدای متعال را نظاره می کند.

عشق



صدرا عشق را نیز از جمله عوامل تکامل معنوی انسان مطرح می کند چرا که هر عبادت و حرکت اختیاری که علت و باعث غیر از عشق و محبت به خدا داشته باشد ناقص بوده و نتیجه ای دربر نخواهد داشت.

### انسان کامل

از جمله عوامل دیگر در تکامل معنوی انسان، وجود انسان کامل است. از نظر صدرا انسان کامل، غایت و هدف خلقت است و حقیقت محمدیه هدف و علت تمام هستی می باشد.

### بررسی تطبیقی راه ها و ابزارهای تکامل معنوی

در بخش راه ها و ابزارهای تکامل معنوی از نگاه صدرا و چوپرا اشتراکات و افتراقاتی وجود دارد. نقاط اشتراک میان آندو در سه ابزار خدانشناسی، عشق و استاد معنوی است. لکن این نوع اشتراک تنها در عنوان است چرا که خدانشناسی از نگاه صدرا در سایه معرفت نفس و وحی الهی انجام می گیرد لکن خدانشناسی چوپرای سطحی بوده و بواسطه پرسش و پاسخ ذهن انجام می گیرد. در مورد استاد معنوی نیز چوپرا در کتاب اکسیر افرادی مانند کیمیاگر، جادوگر و گورو را به عنوان انسان کامل معرفی می کند در حالی که انسان کامل از نگاه صدرا حقیقت محمدیه، انبیاء و ائمه معصومین و اولیای الهی هستند که مورد تایید خدای متعال می باشند. اشکالات چوپرا در بحث معنویت این است که در ادیان الهی و فلسفه صدرایی تکامل بدون اعتقاد به خدا و ادیان الهی و کمک گرفتن از عبادت انجام نمی گیرد. ملاصدرا نهایت کمال انسان را فنای الهی می داند و دو عامل علم و عمل صالح و عبادات های بدنی و قلبی را راه دستیابی و وصول به فنای الهی معرفی می کند. لکن در اندیشه چوپرای برای تکامل نیازی به تلاش و مجاهده خاصی نیست بلکه انسان تنها باید خود را به فرایند طبیعت سپرده و خود را با آن همراه کند. «از آنجایی که حیات به حکم طبیعت خود رشد می کند و متکامل می شود، مجبور نیستیم برای اینکه در جهت مناسب رشد کنیم اقدام ویژه ای انجام دهیم. احاطه پیدا کردن بر نفس با همه ی منافی که برای سلامتی ما دارد به معنای آن است که به هوشیاری بی پایان ذهن و جسم اجازه بدهیم با هم همکاری بیشتری داشته باشند و این کاری است که ما به انجام آن راغب هستیم».

### موانع تکامل معنوی از منظر چوپرا

#### خودستایی

چوپرا بزرگترین مانع تکامل و پیشرفت را خودستایی معرفی کرده و می گوید هنرمندان آثار نقاشی و موسیقی خود را به یک بوم یا کاغذی سفید آغاز می کنند؛ آن ها به درون خود می روند و پنداری ظاهر می شود که در اگر چه در آغاز ضعیف است اما در حال رویش می باشد. این پندار باعث احساس تمایل به متولد شدن می شود.

#### نفس گرایی

نفس گرایی نیز از دیگر عوامل رخوت و سستی است که نتیجه آن عدم وصول به مراحل بالاتر است. «در مرحله پنج، وسوسه این است که در درون خودتان قفل شوید. من گفتم وقتی که آرزوها کاراتر می شوند، دیگر به کوشش بیرونی نیازی نیست. درک بدی

چوپرا درک بدی را از جمله دیگر موانع تکامل معرفی کرده و در مرحله شش خداشناسی می گوید: «در مرحله شش فرد به اندازه کافی بصیرت درک این را دارد. او هنوز خوبی را درک می کند. این نیروی تکامل تدریجی است که در پس تولد، رشد، عشق، حقیقت و زیبایی قرار گرفته است. همچنین او درکی از بد نگاه می دارد. این نیروی است که با تکامل مخالفت می کند - و ما آن را آتروپی می نامیم - که به انحلال، تجزیه و رخوت و گناه خواهد انجامید».

آرمان گرایی دروغین

چوپرا قدیس را جادوگری نمی داند که سراب را به طلا تبدیل می کند بلکه او را فردی می داند که ماده اصلی روح را دگرگون می کند و این رفتار، ساده و خالص است. در نتیجه نباید آرمان گرا بود که خود مانع تکامل گرایی است بلکه باید مانند قدیس، رفتاری ساده و خالص داشت.

شهادت وسوسه نفس

شهادت وسوسه نفس از جمله دیگر موانع تکامل گرایی است که در مرحله شش خداشناسی گریبان گیر انسان می شود. «در اینجا منظور من کوچک شمردن شهادت نیست، فقط می خواهم بگویم که مرحله شش هنوز پایان سفر نیست.

موانع تکامل معنوی از منظر ملاصدرا

نیت و قصد گناه

ملاصدرا نه تنها نیت و قصد گناه را از جمله موانع تکامل انسان معرفی می کند بلکه معتقد است اعمال نادرست و غیرشرعی اگر به خاطر خدای متعال ترک نشود بلکه ترک آنها به علت مانعی غیرالهی باشد پاداشی ندارد و نمی تواند مانع از عقاب شخص به علت نیت های ناصحیح و غیرشرعی شود

شیاطین انسی و جنی

شیطان در اندیشه ملاصدرا تنها به معنای ابلیس نیست بلکه هر موجود انسی و جنی که مانع تکامل انسان شود شیطان نام می گیرد.

جهالت و عقاید نادرست

انسان برای سیر و سلوک و تکامل خود نیاز به آگاهی و معرفت نسبت به راه و مقصد دارد. از جمله مهمترین راه های سیر و سلوک و تکامل از نگاه دین اسلام و فلسفه اسلامی معرفت نفس است.

ضعف ایمان و بی ایمانی

ملاصدرا ایمان را از جمله عوامل تاثیرگذار در تکامل می داند. در نتیجه ضعف ایمان و بی ایمانی از موانع تکامل به حساب می آید. لکن از نگاه وی ایمان به تنهایی کافی نیست مگر اینکه همراه با عمل اعضا و جوارح باشد و حق عمل نیز زمانی ادا می شود که عمل انسان همراه با نیت قلبی باشد.

#### دنیادوستی

صدرا معتقد است برخی از انسان ها نمی دانند که دنیا و طبیعت مکان خوف و ذلت است و در مقابل عالم عقل سراسر امنیت و سرور است.

#### رذائل اخلاقی و نفسانی

همانگونه که فضائل اخلاقی باعث تکامل انسان هستند همانگونه نیز رذائل اخلاقی مانع تکامل به شمار می روند به عنوان مثال ملاصدرا ظلم و جور را از عواملی می داند که باعث سقوط انسان در جهنم می گردد.

#### نداشتن استاد سلوک

ملاصدرا استاد سلوک و هادی را لازمه سیر و سلوک می داند و عدم آن را باعث عدم وصول به خدای متعال معرفی می کند. استاد سلوک باید به موازین و اصول سیر و سلوک آشنا باشد تا بتواند سالک را به درستی هدایت کند.

#### بررسی تطبیقی موانع تکامل معنوی

در بحث موانع تکامل نقاط مشترک متعددی میان چوپرا و صدرا وجود دارد که عبارتند از: ۱- دنیادوستی ۲- نداشتن استاد سلوک ۳- نفس گرایی

چوپرا دنیادوستی را از عوامل ترس از مرگ می داند وی معتقد است انسان نباید از مرگ بترسد چرا که مرگ آغار است نه پایان. تنها کسانی از مرگ می ترسند که به خاطر هایشان چسبیده اند. این ها زندگی جاودانه نداشته و فانی هستند. انسانی که می خواهد حیات جاودانه داشته باشد باید مانند کیمیاگر باشد در لحظه بمیرد تا دروازه حیات بی پایان را کشف کند.

صدرا نیز معتقد است برخی از انسان ها نمی دانند که دنیا و طبیعت مکان خوف و ذلت است و در مقابل عالم عقل سراسر امنیت و سرور است. در نتیجه جهل مذکور باعث حب دنیا شده و به دنبال آن انسان نمی تواند از دنیا و لذات دنیوی دست کشیده و به آخرت روی آورد.

در مورد استاد معنوی، هم صدرا و هم چوپرا قائل به اختیار استاد معنوی هستند لکن استاد معنوی در اندیشه چوپرا عمدتاً کیمیاگر، جادوگر و گورو می باشد. لکن استاد معنوی در اندیشه چوپرا انسان کاملی است که باید به موازین و اصول سیر و سلوک آشنا باشد تا بتواند سالک را به درستی هدایت کند در واقع خود استاد سلوک باید با قرآن کریم، و روایات شریفه و سنت نبوی و افعال معصومین آشنایی کافی داشته باشد تا بتواند سالک را هدایت کند. چرا که چه بسا مکاشفاتی برای سالک اتفاق می افتد که الهی نبوده و خیالی یا شیطانی هستند در این هنگام استاد سلوک سالک را به راه درست هدایت می کند. در

واقع استاد سلوک مانند طبیعی است که برای رشد و تکامل سالک اذکار خاصی را به او تعلیم می دهد در نتیجه این چنین شخصی باید به معارف حقه احاطه کافی داشته باشد تا بتواند سالک را در مراتب مختلف تکامل هدایت کند.

از نقاط افتراق میان ملاصدرا و چوپرا در بخش موانع تکامل معنوی می توان به شیاطین انسی و جنی و نیز ضعف ایمان اشاره کرد که چوپرا به آندو قائل نیست.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام دکتر اسلامی نسب، ناقد اول حجت الاسلام دکتر محمدمهدی گرجیان در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- بسیاری از بزرگانی که در این عرصه کار می کنند عمدتاً توصیف گرا هستند تا اینکه نقاد باشند، که این کفایت کار را نمیکند، در این مقاله مشاهده می کنیم که تلاش شده از حالت توصیفی خارج شده و به حالت نقد برود.
- خیلی از اموری که معنویت های نوپدید را کار می کنند از عاداتشان این است که یا به شکل فطری همه میپذیرند یا به نحو تحصیلی به آن رسیده اند و طوری است که کسی نتواند بگوید این مورد قبول نیست مثل تاثیر گذاری عشق یا خلاق بودن انسان و ....
- خالقیت که مطرح شده، در عبارات صدرا بسیار ارزشمند هست، اما چوپرا وقتی بحث خالقیت نفس را مطرح می کند، در درجه اول باید چیستی معنویت از منظر ایشان بررسی شود.
- نکته دیگر بحث استفاده از الفاظ هست، به عنوان مثال بحث وحدت، ما وحدت می گوئیم و آنها هم وحدت می گویند، وحدت چی؟ یک زمانی میگوئید وحدت قوا که به اجتماع برسند و کسی که به اینجا برسد می تواند کارهای خارق العاده بکند. آیا هرکسی که کار خارق العاده بکند پس رتبه معنوی بالایی دارد که جواب خیر است، مهم سعه و قدرت وجودی و استفاده از بخشی از قوای نفسانی هست. مثلاً در قوه حیوانی اگر یک انسانی بتواند قدرتمند شود باید بتواند در قوه حیوانی مادونی خودش تاثیر گزار باشد.
- شما گفتید وحدت، کدام وحدت منظورتان است؟ این بایستی مشخص شود، وحدت احدی، وحدت واحدی، اصلاً ایشان واحدی را متوجه هست تا به احدی برسد؟ آیا ایشان واقعا این را می خواهد بگوید؟
- استفاده از الفاظ مشترک بسیار بسیار رهنمی دارد و یک مغالطه خیانت باری خواهد بود و عمده نویسندگان در این عرصه قدم میگذارند.
- در مقاله در دوجا دو پاراگراف عیناً آمده است که بهتر است یکی از آنها حذف و به جای آن به پاراگراف قبلی آدرس داده شود، یا اینکه مفاد آن را بیاورید بدون آنکه لفظ را دوباره بیاورید.
- عنوان یوگا در حال حاضر یک عنوان پر طمطراقی شده است، اگر واقعا حقیقت خود یوگا برای مردم تبیین شود که قبلاً چی بوده است، آنقدر تنفر نسبت به آن ایجاد می شود که کسی اصلاً رغبت نمیکند که سمت یوگا برود.

● حتماً بایستی راجع به یوگای قدیم هم صحبت کرد و به آن رفرنس داد تا یوگای قدیم تبیین شود و مخاطب متوجه شود که یوگا چه بوده است که ایشان مکتب خود را بر پایه آن بنا نموده است.

● مهم ترین بحثی که مطرح شده بحث نفس گرایی هست که به نظر پایه اینها به اومانیسم می رسد که اومانیسم فردی است و مهم همینجا هست و به عبارتی اتاق فرماندهی را از عرش به فرش (از عالم بالا به عالم مادون) کشاندن است، این قاموس مشترک عرفان های نوظهور یا معنویات نوپدید هست و در اینها انسان حداقلی را به جای انسان حداکثری جا زدن هست.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر رضا آذریان به علت کسالت نمیتوانستند صحبت کنند که نکات خود را به حجت الاسلام دکتر گرجیان ارائه و دکتر گرجیان نکات ایشان را بیان نموده و به موارد زیر پرداختند:

● طرح جناب چوپرا با عنوان طب روحانی یا شفای کوانتومی (ایشان فیزیکیان بودند و تلاش کردند که بین این دو علم یک امتزاج ایجاد کنند تا بتوانند اهداف خودشان را دنبال کنند) اول این باید مورد نقد قرار بگیرد ۱- نقد مبنایی و ۲- نقد بنایی مد نظر قرار گیرد.

● انتظار این بود که شما در موارد بنایی به آثاری که در این عرصه کار شده اشاراتی داشته باشید که حداقل فرد با پیشینه این بحث آشنا باشد.

● منتقدین ایشان افراد خدا ناباور هستند و تجربه گرا هستند و در این عرصه کار می کنند.

● در همان عرصه تجربه گرایی مثلاً رابرت کارول آمده و ایشان را نقد کرده است. ایشان در میان خدا ناباوران هم ناقدانی دارد.

● دقت بیشتری بایستی در آثار چوپرا شود چرا که ایشان در چه حوزه ای مباحثش را مطرح کرده است.

● ادعای ایشان چیست؟، آیا او مادی گراست؟، یا نه الهی هست و اگر الهی هست واقعا الهی هست یا شعار الهی می دهد؟

● جایزه نوبل با جایزه ایگ نوبل متفاوت هست که ایشان جایزه ایگ نوبل گرفته اند.

● آیا ایشان را اصلاً می توان در اندازه یک عرفان نوظهور دید؟

● در نگاه چوپرا مراد از کیمیاگر کیست؟ یعنی مفهوم کیمیاگر را در نگاه چوپرا تبیین کنید.

● طرح جایگزین برای طرح چوپرا در زندگی چیست که بایستی تبیین شود و خوب بود که این طرح جایگزین مطرح می شد.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش‌های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.